جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸، نمابر: ۶-۸۸۸۴۵۶۳۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۴۹۳۷ | پنج‌شنبه ۲۹ مهر ۱۳۹۵ | ۱۸ محرم ۱۴۳۸| اذان ظهر: ۱۱:۴۹ |
غروب آفتاب:۱۷:۲۲|اذان‌مغرب:۱۷:۴۱|نیمه‌شب‌شرعی:۲۳:۰۷|اذان‌صبح‌فردا:۰۴:۵۲|طلوع آفتاب‌فردا:۰۶:۱۶|

دریچه | هادی عسگری

توجه تلویزیون به فضای مجازی محدود به حقوق مادی برنامه‌ها نشود

فضای مجازی مجری‌ها تا چه حد در رصد رسانه ملی است؟!

صداوسیما در حال پیگیری مسائل حقوقی مربوط به انتشار محتوای تولیدی برنامه‌هایش در فضای مجازی است، این پیگیری را می‌توان در سطح بزرگ‌تری نیز تعریف کرد، جایی که رفتارهای مجری‌های تلویزیونی در فضای مجازی با آنچه در رسانه ملی ارائه داده می‌شود، متفاوت و متناقض می‌شود.

مجری‌های تلویزیونی بخشی از هویت برنامه‌های سیما هستند و گاهی هویتی که مجری برنامه به آن برنامه می‌بخشد، بیشتر از محتوای ارائه شده است. از این رو انتظار می‌رود که صداوسیما در پرداخت به مسائل حقوقی برنامه‌هایش به مسائل معنوی ناشی از رفتارهای مجری‌هایش در فضای مجازی نیز حساسیت نشان دهد. به طور مشخص برخی از مجریان زن در تلویزیون که پرکار نیز هستند، تصاویری از خود در فضای مجازی منتشر کرده‌اند که با آنچه تلویزیون از این افراد به تصویر کشیده متفاوت است. به گونه‌ای که این شبهه را ایجاد می‌کند که حراست صداوسیما نسبت به آنچه کارمندان سازمان در حال ارائه آن هستند، بی‌توجه بوده است. جالب است که در فضای مجازی شناسه این افراد در مخاطبان پسوند «مجری تلویزیون» بودن است. در سال‌های گذشته چندین مجری مشهور تلویزیون به دلیل همین حاشیه‌ها از کار کنار گذاشته شده یا مدت‌ها از اجرای تلویزیونی دور بوده‌اند، ولی با بازگشت برخی از چهره‌های حاشیه‌دار به تلویزیون و انتشار تصاویر مجریان زن در فضای مجازی این سؤال را به وجود آورده است که چرا صداوسیما از داشته‌های معنوی‌اش به عنوان رسانه ملی جمهوری اسلامی دفاع نمی‌کند و در برابر رفتارهای دوگانه مجری‌های تلویزیونی که در برنامه‌های پر مخاطب خانوادگی سیما نیز اجرا دارند، سکوت می‌کند. مجری‌ای که در برنامه خانواده یکی از شبکه‌های سراسری در حال اجرای برنامه است و گفته می‌شود به زودی برنامه‌ای نیز در شبکه نسیم خواهد داشت، عکس‌هایی از خود در فضای مجازی منتشر کرده که پوشش او تناسبی با پوشش رسمی و مورد تأیید صداوسیما از نظر حجاب و آراستگی ندارد.

اگر این روال ادامه پیدا کند، مردم سؤال می‌کنند که چرا نباید مجری‌های قبلی که اتفاقاً حسن شهرتشان بیشتر از خطای عملکردی‌شان است، از اجرا دور بمانند؟!

خبر

نگاهی به فیلم «داوود و فاطمه»

فلسطین روی خط آتش هالیوود

در اوایل سال ۲۰۰۷، «جورج بوش» تصمیم گرفت ابومازن و سران اشغالگر را دور یک میز گرد آورد و پروژه صلح دو ملت و دو دولت را کلید زند. سیاستی که «باراک اوباما» آن را مدتی دنبال کرد و عاقبت دنبال کردن چنین سیاستی منجر به فجایعی شد که امروز در نوار غزه شاهدش هستیم. به تبع چنین سیاستی، مجموعه فیلم‌هایی در «بنیاد سینمایی اسرائیل» تولید شد که در پی تطهیر چهره متخاصم رژیم صهیونیستی، پس از انتفاضه دوم بود.

فیلم سینمایی «داوود و فاطمه» از جمله آثاری است که خیلی سریع در سینماهای مختلف دنیا به اکران درآمد. این فیلم که در سال ۲۰۰۸ به کارگردانی آلیان زالوم ساخته شد، به رابطه دختری فلسطینی و پسری اسرائیلی می‌پردازد که در رابطه عاطفی کاملاً پیچیده‌ای گرفتار می‌شوند. روایت مذکور با جهت‌گیری‌های خاصی سعی می‌کند به همان مسئله هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بپردازد. از نکات فرامتنی فیلم می‌توان به نمایش آن در جشنواره تورنتو در سال ۲۰۰۸ اشاره کرد. حین نمایش این فیلم بسیاری از کارگردانان مستقل غربی، این جشنواره را به‌نشانه اعتراض ترک کردند و ترک‌کنندگان سالن نمایش فیلم، معتقد بودند فیلم سینمایی «داوود و فاطمه» یا همان (دیوید و فاطیما) مانند عملکرد رژیم اشغالگر در چندساله اخیر، رویکردی تطهیرآمیز دارد!

در فیلم «داوود و فاطمه» که بخش‌هایی از آن در «استودیوی برادران وارنر» تهیه شده، از هنرپیشگان مشهوری چون بازیگر برنده اسکار «مارتین لاندو» استفاده شده است. دو بازیگر نقش‌های اصلی فیلم «دانیل پولاک» و «کمرون ون هوی»، دوچهره جوان و گمنامی هستند که نقش‌های دیوید و فاطیما را ایفا می‌کنند. کارگردانی این فیلم را «آلیان زالوم» مصری که کاتولیک است، برعهده دارد. فیلمبرداری فیلم «داوود و فاطمه» دوسال به‌طول انجامید. بسیاری از صحنه‌های آن در استودیوهای لس‌آنجلس و هالیوود و بسیاری از صحنه‌های خارجی فیلم در سرزمین‌های اشغالی فلسطین فیلمبرداری شده است. فیلم به ۱۲ زبان زنده دنیا از جمله فارسی و عبری ترجمه شده است. «کریم بیان» تهیه‌کننده فیلم، برای معرفی فیلم آن را در شهرهای مختلف امریکا رایگان نمایش می‌دهد. البته وقتی از کریم بیان می‌پرسند چه‌طور با این هزینه‌های سرسام‌آور حاضر می‌شود فیلم خود را رایگان نمایش دهد، پاسخی به آن نمی‌دهد!

راه سعادت

حکمت ۱۲۱

شَتَّانَ مَا بَیْنَ عَمَلَیْنِ عَمَلٍ تَذْهَبُ لَذَّتُهُ وَ تَبْقَی تَبِعَتُهُ وَ عَمَلٍ تَذْهَبُ مَئُونَتُهُ وَ یَبْقَی أَجْرُهُ.

چقدر فاصله بین دو عمل دور است؛ عملی که لذتش می‌رود و کیفر آن می‌ماند و عملی که رنج آن می‌گذرد و پاداش آن ماندگار است!

نقدی فنی و سینمایی بر فیلم «هیهات» که این روزها بر پرده سینما است

«هیهات» پیام خود را با لکنت ادا می‌کند

سید محمد حسینی
منتقد سینما

«هیهات» از آن دسته آثاری است که بعد از تماشایش نه می‌توانی از آن تعریف کنی و نه بی‌محابا به نقد آن بنشینی.

فیلمی اپیزودیک که با بهره بردن از چهار کارگردان تلاش می‌کند بنا به شعار اصلی خود داستان‌های کوتاهی را با محوریت کربلا برای مخاطب تصویر کند. فیلم با اپیزود جوانی آغاز می‌شود که اصرار دارد مادر بیمارش باید ضریح در حال اعزام سید الشهدا را ببیند. در این میان هادی نائیجی، کارگردان اپیزود اول بدون در نظر گرفتن حقوق کسانی که به همین منظور احتمالاً راه‌های دور و نزدیک را طی کرده‌اند تا خود را به ماشین حمل ضریح برسانند، یکطرفه قاب را روی جوان روستایی و نیاز او می‌بندد. گویی دیگران هیچ حقی در این میان ندارند و تنها اوست که باید مراد مادرش را عملی کند. در خلال عملیاتی کردن مراد مادر هم دچار تخطی از قانون می‌شود و کامیونی را می‌رباید تا به مادر برساند. نوعی خودخواهی دین‌انگارانه که بناست با رنگ آبی و ظاهراً نیت خیر پسر قباحت رفتار او را توجیه کند و فرهنگ عاشورایی را با تخطی در ساحت حق‌الناس گره زند.

بماند اینکه فیلم در ساختار هم لنگ می‌زند و نمی‌تواند درست از پس باورپذیر کردن محتوای خود برآید؛ بازی اغراق شده حامد بهداد و رفتارهای سست افسر نیروی انتظامی و مسئول حمل ضریح در سکانس‌های تعقیب و گریز اثر را تا قواره یک تله‌فیلم ساده پایین آورده است. طراحی نور و رنگ‌های موجود و صحنه نیز تقریباً کمکی به داستان نمی‌کند، مگر در یک سکانس کوتاه آن هم در اتاق مادر، زمانی که ضریح از مقابل پنجره اتاق عبور می‌کند و مادر غرق در تماشای آن می‌شود.

اپیزود دوم یک اثر تیپیکال ضد جنگ با همان مؤلفه‌های خسته‌کننده آدم‌های داغون ویرانی‌های باقیمانده از جنگ و کمبودها و نداشتن‌ها و اعتراض‌های جامعه‌ای سیاه و ناامید است که قهرمانش چند صباحی است از آسایشگاه اعصاب و روان آمده و حاکمیت و بوروکراسی احمقانه‌ای آب را روی مردمش بسته است؛ آبی که این بار نه در محاصره لشکر ابن‌سعد، بلکه گرفتار بوروکراسی است که ۵۰ متر مانده به پاکسازی نهر آب از مین‌های دوران جنگ کار را رها کرده و مردم را تشنه کام به حال خود گذاشته است تا قهرمان بتواند در امتداد کنش‌های قهرمانانه‌اش مشکل را حل و خود را با سقایت دیگران جاودانه کند.

فیلم هیهات متأسفانه به‌رغم تمام تلاشی که دست‌اندرکاران آن به‌عنوان تجربه یک اثر بدیع داشته‌اند، اما هرگز نتوانسته به قواره موضوع متعالی خود بیان و تبیین معنا کند و دچار نوعی لکنت سینمایی در حوزه ساختار و مضمون است

اما ای کاش تصاویر توان بیان این مفاهیم را داشتند و ای کاش همان سقایت می‌توانست مبنای داستان باشد. فیلم از قالب کلیشه هرگز بیرون نمی‌آید و تقریباً ناگفته تمام حرف‌هایش آشناست. شخصیت اول فیلم همان رزمنده درمانده و آسیب‌دیده است که تا به حال صدها بار او را در سینما دیده‌ایم، موجودی درمانده که به نظر یک پشیمان ذاتی است و بناست کاری قهرمانانه انجام بدهد، اما کندی و نبود نشاط او مانع تولد شخصیتش در ذهن مخاطب می‌شود.

اما اپیزود سوم به روایت روح‌الله حجازی فیلم کوتاهی است که با دیدن آن یکی از صدها سؤالی که در ذهن مخاطب به جا می‌گذارد، این موضوع است که اگر بنا بود قسمت‌های این فیلم چهار اپیزودی عنوان داشته باشد، عنوان این بخش چه می‌توانست باشد. داستان گداگرافی معمول در اطراف حرم و دخترکی یتیم و مرد بد جنسی از سنخ فاگین در الیور توئیست که می‌خواهد از بچه‌ها سوءاستفاده کند و گدایی و مادر تنها و حاشیه‌نشینی و ... .

تکرار این تصویر از حرم و تکرار این نگاه به موضوع دین و عزاداری اگر نگوییم بیشتر از تصویر تیپیکال دمده شده بخش اول بوده، کمتر هم نبوده است. اصولاً به نظر می‌رسد هنر بسیار بزرگی است که در بین آن همه مناسبات زیبا از زیارت، این تصویر توسط هنرمندان ما مدام در اطراف بقاع متبرکه قاب گرفته می‌شود، گویی حرم را یک مشت بدبختی‌هایی از این دست احاطه کرده است و گویی سخن دیگری در اطراف این موضوع نمی‌توان یا حتی نمی‌شود به زبان آورد. اما اپیزود اصلی کار به کارگردانی هادی مقدم‌دوست که لااقل در کارهای گذشته‌اش، نشان داده یک کارگردان سرحال و خوش‌دست است که توانایی تصویری بالا و خوش‌سلیقگی در پرداخت مضامین از خصوصیات بارز اوست، اما حتی این اپیزود هم به‌رغم کارگردانی سرحال و نسبتاً مطلوبی که دارد و به‌رغم تمهیدی که در ساختار به تقلید از فیلم Redacted به کارگردانی برایان دیپالما داشته و تلاش کرده است با ترکیب صحنه‌های واقعی (واقع‌نمایی موبایلی) و داستان اصلی فیلم ماجرای خود را روایت کند، اما درست مانند سه اپیزود قبلی خود دچار مشکلات فیلمنامه و مضمون است. فیلم در سایه شک یک دختر جوان که به دنبال شوهر پزشک خود روانه عراق شده است، آغاز می‌شود؛ شوهری که چند صباحی است از زندگی و فرزند خود بی‌اطلاع است و به نظر می‌رسد عزم اطلاع گرفتن از آنها را نیز ندارد. زن جوان و فرزندش ابتدا با حضور در اتاق آقای دکتر و پیدا کردن آثاری از نابرادری عراقی و یک تعداد هدیه، شک را در وجود خود تقویت می‌کنند. حضور فرزند دکتر در فیلم عملاً بی‌کاربرد است و به نظر می‌رسد صرفاً یک موجودیت ویترینی و آکسسوار گونه در فیلم دارد.

زن هم که بناست در انتهای فیلم قرائت‌کننده خطبه حضرت زینب سلام‌الله علیها برای پخش در سرزمین‌های تحت سلطه داعش باشد هم به صورتی کاملاً مدرن و به وسیله موبایل به دنبال شوهر می‌گردد و به نظر می‌رسد گوشی موبایل نیمه پنهان و اصلی زندگی اوست و پیغام‌های تلگرامی تمام زندگیش را به خود اختصاص داده است. تأکید کارگردان بر این رویه زندگی تا آنجاست که حتی زمانی که می‌تواند با شوهرش ارتباط بگیرد و حالا موبایل برادر شهیدش را به دست دارد، باز هم با پیغام‌های تلگرامی به ارتباط ادامه می‌دهد و این سؤال را در ذهن بیننده به جا می‌گذارد که این همه راه و مسافت برای گفت‌وگو و دیدار طی شده، اما حالا که زمینه گفت‌وگو هست، پیغام‌های تلگرامی چه معنا می‌دهد و اصولاً چرا حتی در این پیغام‌ها هم حضور پسرشان اینقدر کمرنگ است. به خاطر داشته باشیم که زینب به دلیل همراهی با ولی زمان خود آگاهانه و در پرتو یقین از شوهر جدا شد و در این راه چهار فرزندش را نیز قربانی کرد که بانوی پیام‌آور کربلا باشد و پیام سرخ شهیدان را از ریگزارهای تفتیده بیابان برای مردم زمان خود و تاریخ بازگو کند، اما زن داستان نه‌تنها بی‌بهره از آن یقین است، بلکه در سایه شک پای به این عرصه نهاده و حالا بناست با قرائت خطبه زینب همان حماسه و همان نگاه را به اموی‌های زمان خود انتقال دهد.

این نکته که یکی در پرتو یقین و باور متعالی مبادرت به صدور کلمات و خطبه غرای خود را ایراد کرده است و حالا در روزگار ما شخص دیگری در سایه شک به این وادی کشیده شده و بناست نقش او را در ادای کلمات آتشین علی‌وار ادا کند، قدری به نظر ظلم به موضوع است. از این رو باید گفت فیلم هیهات به‌رغم تمام تلاشی که دست اندرکاران آن به‌عنوان تجربه یک اثر بدیع داشته‌اند، اما نتوانسته به قواره موضوع متعالی خود بیان و تبیین معنا کند و دچار نوعی لکنت سینمایی در حوزه ساختار و مضمون است.

نما | حسین کشتکار

سیدعباس صالحی سرپرست وزارت ارشاد شد

جنتی رفت، ولنگاری فرهنگی هم می‌رود؟!

جواد محرمی

دولت بالاخره خود را از شر علی جنتی رها کرد و روز گذشته معاون فرهنگی وزیر مستعفی را به عنوان سرپرست وزارت ارشاد معرفی کرد. حالا جامعه فرهنگ و هنر کشور منتظرند تا ببینند طی ماه‌های باقی مانده از عمر دولت یازدهم قرار است چه گلی به سر فرهنگ‌زده شود و راهبرد تازه و مؤثری برای برون رفت از بحران فرهنگی کشور ارائه می‌شود یا خیر؟

فرهنگ پاشنه آشیل همه دولت‌ها بوده است و این میراث دست به دست چرخیده و به دست این دولت رسیده است، اما دولت یازدهم در پریشانی و حیرانی فرهنگی رتبه اول را در میان دولت‌های پس از انقلاب به خود اختصاص داده است. در واقع عرصه فرهنگ و هنر از رویکردهای باری به هر جهت مدیریت فرهنگی دولت یازدهم لطمه جدی دیده است. تنها چیزی که از ابتدا درباره فرهنگ دولت یازدهم دقیقاً تکلیفش را می‌دانست و در همان حیطه هم وعده‌ها داد و به آن هم تا حدودی عمل کرد، نگاه تسامح‌گرایانه به مدیریت این عرصه بود؛ شعارهایی که در وهله اول برای همه زیبا به نظر می‌رسد، اما نتایج آن منجر به نوعی پریشانی فرهنگی می‌شود؛ شرایطی که رهبر معظم انقلاب از آن به عنوان ولنگاری فرهنگی یاد کردند. این وضعیت ریشه در نداشتن راهبرد فرهنگی دارد. یکی از نمایندگان حامی دولت به تازگی با طرح این مسئله که وزارت ارشاد فقط بخشی از بودجه فرهنگی کشور را به خود اختصاص داده خواستار تعطیلی این وزارتخانه شده بود، اما خود مدیران فرهنگی دولت و شخص وزیر مستعفی این وزارتخانه هم می‌دانند که مشکل وزارت ارشاد ریشه در کمبود بودجه نداشت. مشکل در سرگردانی و حیرانی مدیریت بود. اگر دولت یازدهم ریشه‌های شرایط خراب فرهنگی را درست تشخیص داده باشد، شاید بتوان تا حدودی به ترمیم فرهنگی کشور امیدوار بود. سیاست تساهل و تسامح، شعار وزارت ارشاد دولت اصلاحات بود و علی جنتی نیز با اینکه چهره‌ای اصلاح‌طلب محسوب نمی‌شود، ولی در عمل نشان داد که منطبق با همین طرز فکر سه سال و اندی وزارت ارشاد را مدیریت کرد. شکست فرهنگی دولت یازدهم را باید ناشی از اعتقاد به اباحه‌گری در عرصه فرهنگ دانست. سیاستمدارانی چون علی جنتی همواره می‌انگارند اگر فرهنگ را به حال خود واگذار کنند، احتمالاً دست پنهانی وجود دارد که مانند دست آدام اسمیت به شکل خودکار عرصه فرهنگ را تنظیم می‌کند. بماند که این تز غیرعلمی دهه‌هاست که در غرب نیز به حاشیه رفته، اما هنوز در ایران طرفداران جدی دارد و برای خیلی‌ها حکم وحی منزل را دارد. دست پنهانی که لیبرال‌های فرهنگی به آن اعتقاد دارند، در ایران نه‌تنها کار نکرده که اوضاع را پیچیده‌تر و پریشان‌تر کرده است. سؤال اساسی که در این وضعیت و با واگذار کردن سکان وزارت ارشاد از سوی علی جنتی مطرح می‌شود، این است که مدیریت پس از او نیز به دست‌های پنهانی که به طور خودکار عرصه فرهنگ را اداره می‌کنند، اعتقاد خواهد داشت یا به دست خود گره از کار فرهنگی می‌گشاید؟

تجسمی

۳۹ اثر ایرانی در حراجی کریستی دوبی فروش رفت

بیست‌ویکمین حراج کریستی دوبی در شامگاه ۱۸ اکتبر (۲۷ مهر ماه) با مجموع فروش بالغ بر ۶ میلیون و ۷۴۳ هزار دلار به کار خود پایان داد.

به گزارش «ایسنا»، از میان ۴۱ اثر هنرمندان ایرانی که در حراجی «هنر مدرن و معاصر» کریستی دوبی برای فروش ارائه شده بود در نهایت ۳۹ اثر به فروش رفت و تابلویی از حسین زنده‌رودی با ۵۰۰/۳۰۷ هزار دلار عنوان گران‌ترین اثر ایرانی و دومین اثر گران این حراجی را به نام خود ثبت کرد، این در حالی است که پیش از آغاز حراجی قیمتی بین ۱۲۰ تا ۱۸۰ هزار دلار برای این نقاشی تخمین‌زده شده بود. رکورد گران‌ترین اثر هنری حراجی «هنر مدرن و معاصر» کریستی نیز به تابلوی «سال‌های پرنده» اثر «شفیق عبود» هنرمند لبنانی رسید که با قیمت ۵۰۰/۳۹۱ دلار فروخته شد، در حالی که برای این اثر نیز قیمت ۱۲۰ تا ۱۸۰ هزار دلار برآورد شده بود.

مناظره‌های ریاست جمهوری امریکا از شبکه‌های صداوسیما پخش می‌شود

دعوای ترامپ و کلینتون با ترجمه همزمان فارسی

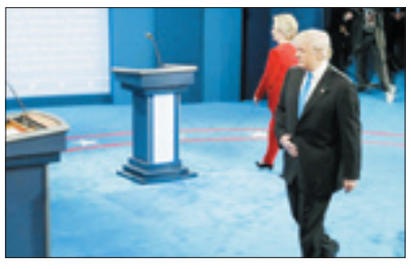

محمدصادق عابدینی

برای نخستین‌بار مناظره‌های تلویزیونی نامزدهای رقیب انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده به طور همزمان از سه شبکه تلویزیونی متعلق به صداوسیما پخش خواهد شد.

شبکه‌های خبر، العالم و پرس‌تی‌وی ایران برای علاقه‌مندان ایرانی و خارجی که رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری امریکا را دنبال می‌کنند، مناظره‌های دو رقیب اصلی یعنی دونالد ترامپ و هیلاری کلینتون را پخش کردند. سومین مناظره ترامپ و کلینتون از این سه شبکه پخش شد. ساعت ۴:۳۰ بامداد امروز شبکه خبر سیما با ترجمه همزمان و شبکه پرس تی وی با زبان اصلی مناظره ریاست جمهوری امریکا را برای مخاطبان فارسی‌زبان و مخاطبان جهانی‌شان پخش کردند. دو مناظره قبلی نامزدهای ریاست جمهوری امریکا نیز در روزهای گذشته پخش شده بود.

اهمیت پخش این مناظره‌ها از این جهت است که بیننده‌های ایرانی از هم‌اکنون می‌توانند افکار و سیاست‌های رئیس‌جمهور آتی امریکا را بشناسند و از آنجایی که بعضی از مناظره‌های این دو رقیب به سیاست‌های دولت امریکا در قبال جمهوری اسلامی مربوط می‌شود، ایرانیان می‌توانند آنچه را که رئیس‌جمهور بعدی امریکا در قبال کشورمان اتخاذ خواهد کرد، مشاهده و پیش‌بینی کنند.

حسین عابدینی، کارشناس خبر و قائم مقام خبرگزاری صداوسیما می‌گوید: «پخش زنده مناظره ترامپ و کلینتون از شبکه خبر یک گام بلند در حوزه اطلاع‌رسانی به حساب می‌آید. با پخش این مناظره، مخاطبان شبکه خبر و علاقه‌مندان به دنبال کردن اخبار این حوزه توانستند بدون واسطه صحبت‌های دو نامزد ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا را که قرار است سکان هدایت این کشور را بر عهده بگیرند، دنبال کنند. مخاطبان با تماشای مناظره از برنامه‌های کاندیداها مطلع شدند.»

عابدینی با بیان اینکه از اقدام شبکه خبر در پخش مناظره‌ها از شبکه خبر استقبال می‌کنیم، می‌افزاید: «اگر شبکه خبر اقدام به پخش این مناظره می‌کند طبیعتاً رقابتی با سی ان ان ندارد، چون مردم ایران غالباً به زبان انگلیسی آشنایی زیاد و حرفه‌ای ندارند. از سوی دیگر مگر چندین نفر در کشور هستند که این موضوع برایشان آنقدر مهم است که بخواهند آن را از سی ان ان دنبال کنند، اما شبکه خبر با این اقدام کاملاً حرفه‌ای‌اش ظرفیتی را در اختیار مخاطبانش قرار داد و به نظر من تصمیمی کاملاً هوشمندانه بود.»

سیاست شبکه خبر در پوشش زنده حوادث مهم سیاسی جهان مدتی است باعث تمایز آشکار این شبکه نسبت به قبل شده است. «جوان» هفته آینده در گفت و گو با مدیران شبکه خبر به تغییر رویکرد این شبکه در پوشش اخبار می‌پردازد.

تلویزیون

سریال‌های جدید شبکه ۲ برای نیمه دوم سال ۹۵

شبکه ۲ سیما سریال‌های «هشت و نیم دقیقه»، «همسایه‌ها» و «آرام می‌گیریم» را برای پخش در شب‌های پاییزی و زمستانی در نظر گرفته است.

از اول آبان ماه ملودرام خانوادگی «هشت و نیم دقیقه» از شنبه تا پنج‌شنبه ساعت ۲۱:۳۰ به مخاطبان این شبکه تقدیم می‌شود.

«هشت و نیم دقیقه» به تهیه کنندگی بهروز مفید، کارگردانی شهرام شاه‌حسینی و نگارش آزیتا ایرایی، علی دادرس و بابک کایدان با محوریت موضوعی همدلی و ایثار در یک خانواده ایرانی به نقش مهم و تأثیرگذار زن در سرپرستی و تربیت فرزند بعد از فوت همسر و دفاع از حقوق و کیان خانواده در این شرایط می‌پردازد.

از ۱۳ آذر ماه و پس از پایان سریال «هشت و نیم دقیقه» که مصادف با جشن‌ها و اعیاد ماه ربیع الاول است، شبکه ۲ سریال طنز ۴۰ قسمتی «همسایه‌ها» را به کارگردانی مهران غفوریان، تهیه‌کنندگی علیرضا سبطاحمدی و نگارش مجتبی چراغعلی با حضور بازیگرانی چون جواد رضویان، مهران غفوریان، بهاره رهنما و سیروس گرجستانی به بینندگان شبکه ۲ سیما تقدیم می‌کند. همچنین گروه فیلم و سریال شبکه ۲ علاوه بر دو سریال «هشت و نیم دقیقه» و «همسایه‌ها» سریال «آرام می‌گیریم» را با همکاری انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس و با محوریت امنیت در خانواده و جامعه در دست تهیه داشته که از ابتدای بهمن ماه از این شبکه پخش خواهد شد.

پیش از این و با آغاز فصل پاییز، سریال «در قصه‌ها زندگی می‌کنند» از شبکه ۲ سیما روی آنتن رفت. این سریال به تهیه‌کنندگی هادی پروین، کارگردانی داوود بیدل و نگارش مصطفی زندی ملودرامی خانوادگی بود که با بازی بازیگرانی چون جمشید مشایخی، حسن جوهرچی، فرخ نعمتی، حمید ابراهیمی، متین ستوده و سپیده خداوردی در هر قسمت به روایت داستانی جداگانه پرداخت.

آغاز اکران فیلم جدید بهروز شعیبی در سینماها

چهارشنبه «سیانور»ی سینما

محمد صادقی

فیلم سینمایی «سیانور» دومین ساخته سینمایی بهروز شعیبی از روز گذشته به سینماها آمد تا در یکی از شلوغ‌ترین فصل‌های اکران شاهد فیلمی باشیم که جشنواره‌ها هیچ وقت به آن روی خوشی نشان ندادند.

«سیانور» از جمله آثار حاضر در بخش مسابقه سینمای ایران سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر است؛ فیلمی که نامش برگرفته از سمی مهلک است که اعضای گروهک منافقین پیش از آنکه دستگیر شوند، اغلب از آن برای انتحار استفاده می‌کردند. شعیبی نیز در فیلم «سیانور» به سراغ داستانی از گروهک منافقین رفته است، زمانی که در دهه ۵۰ با نام مجاهدین خلق شناخته می‌شدند و از جمله گروه‌های معارض با دولت وقت بودند. منافقین در دهه ۵۰ دچار انشعاب می‌شوند و همین موضوع تسویه درون سازمانی را به همراه دارد. بزرگ‌ترین قربانی این تسویه مجید شریف‌واقفی است که امروزه نام وی بر سر در یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین دانشگاه‌های کشور یعنی دانشگاه صنعتی شریف نهاده شده است. بهروز شعیبی در ساخت فیلم «سیانور» سراغ استفاده از نگاتیو رفت که مدت‌ها از سینما کنار گذاشته شده است، سال گذشته این فیلم تنها اثر حاضر در جشنواره بود که با نگاتیو فیلمبرداری‌اش انجام شده بود.

حضور فیلم سینمایی «سیانور» در جشنواره فیلم فجر و جشنواره مقاومت به‌رغم استقبال خوبی که از سوی منتقدان سینما از این فیلم به عمل آمد، با یک بی‌اعتنایی کامل از سوی جشنواره‌ها همراه بود، به طوری که هیچ کدام از این جشنواره‌ها در هیچ بخشی «سیانور» را حتی نامزد دریافت جایزه نیز قرار ندادند. بد بیاری‌های سیانور به همین جا ختم نمی‌شود؛ چندی پیش سید محمود رضوی، تهیه‌کننده این فیلم یادداشت تند و تیزی را درباره آنچه بر سر این فیلم آمده است، منتشر کرد و از مشکلاتی که در مسیر ساخت و اکران سیانور به وجود آمده انتقاد کرد.

سیانور از نظر پرداخت تاریخی به گروهک منافقین می‌تواند فیلم مهمی باشد. منتقدان سینما این فیلم را بسیار موفق‌تر از فیلم «امکان مینا» می‌دانند که آن هم به‌برهه‌ای از تاریخ این گروهک تروریستی اشاره دارد. تماشای دومین تجربه سینمایی بهروز شعیبی بعد از ساخت فیلم موفق «دهلیز» از دیگر عواملی است که می‌تواند مخاطب را برای دیدن سیانور به سینما بکشاند. این فیلم سینمایی از روز گذشته (چهارشنبه) به سینماها آمده است و این امید وجود دارد که بعد از بی‌توجهی جشنواره‌ها حداقل بتواند نظر مردم را به خود جلب کند.